

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران

دوره ۶، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۴۳-۲۳

تحلیل انسان‌شناختی کارآفرینی و توسعه روستایی در عصر جهانی شدن: مطالعه موردی استان همدان

حسن شهرکی*

رضا موحدی**

احمد یعقوب فرانی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۲۹

چکیده

پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و با هدف بررسی و تحلیل کارآفرینی روستایی در عصر جهانی شدن انجام شده است. جمع‌آوری داده‌ها با انجام مصاحبه‌های عمیق بوده است. برای این منظور ۲۰ نفر از کارآفرینان، متولیان و کارشناسان بخش کشاورزی در استان همدان با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع نظری و با حداکثر تنوع و نوسان انتخاب شدند. روش پژوهش بر اساس تحلیل محتوای متون مصاحبه و با استفاده از راهبرد کدگذاری نظری سه مرحله‌ای (آزاد، محوری و گزینشی) انجام شده است. اعتبارپذیری پژوهش از طریق بررسی زوایای گوناگون و قابلیت اطمینان آن از طریق فراهم آوردن مسیرنمای حسابرسی تأمین شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که افراد مورد مصاحبه، کارآفرینی و جهانی شدن را به طور کل در حیطه اقتصاد و بر اساس مؤلفه‌هایی همچون، رقابت، سود، بهره‌وری، خصوصی‌سازی و فناوری تعریف و تحلیل می‌کنند. گفتمان کارآفرینی روستایی ایران به نوعی از سرمایه‌داری روستایی دامن زده است که ارتباط چندانی با بستر، فرهنگ و اجتماع روستایی نداشته و به انواعی همچون کارآفرینی مبتنی بر اقتصاد، کارآفرینی فناورانه و کارآفرینی علمی کاربردی تقسیم می‌شود. پژوهش با پیشنهاد مفهوم «کارآفرینی روستایی انسان‌شناختی» بر اساس نظریه انسان‌شناختی «تثبیت توسعه» از جامعه‌شناس و انسان‌شناس کلمبیایی آرتورو اسکوبار، در برابر کارآفرینی اقتصادی و نیز مفهوم‌پردازی این گونه از کارآفرینی به پایان می‌رسد.

کلید واژگان: آرتورو اسکوبار، تحلیل محتوا، توسعه روستایی، جهانی شدن، کارآفرینی انسان‌شناختی، کارآفرینی روستایی.

* دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا

** دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا

arm.shahraki@gmail.com
movahedi686@yahoo.com

*** استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا

amyaghoubi@yahoo.com

مقدمه

در نظر بسیاری (مفتخری و زرگری نژاد و دلاوری، ۱۳۸۸)، توسعه برآمده از شرایط و ارزش‌های تاریخی کشورهای غربی است بنابراین به منظور پرهیز از چنین ارزش‌هایی باید به توسعه دیدی گفتمانی داشت (اسکوبار، ۱۹۹۷، ۲۰۰۵). آرتورو اسکوبار^۱ (۱۹۸۴ و ۱۹۸۵) در قالب مکتب پسا ساختارگرایی^۲ و متأثر از دیدگاه‌های میشل کوکو به کالبدشکافی^۳ گفتمان توسعه و ضمن تحلیل محتوای اسناد توسعه‌ای به انتقاد و تحلیل آن شرایطی می‌پردازد که توسعه را برای کشورهای جهان سوم معنادار^۴، باارزش^۵ و پذیرفتنی^۶ ساخته است. هم‌اکنون می‌توان از آغاز دوران پساتوسعه^۷ یاد کرد (اسکوبار، ۲۰۰۵؛ فریدمن، ۲۰۰۶)؛ دورانی که در آن با جایگزین‌هایی برای توسعه^۸ به جای توسعه بدیل^۹ روبرویم؛ جهانی که در آن دیگر گفتمان توسعه، یکپارچه^{۱۰}، تک معنایی^{۱۱} و هژمونیک نیست بلکه قابل مذاکره^{۱۲}، در اختیار^{۱۳} و قابل استفاده^{۱۴} بوده و از میان‌کنشی^{۱۵} میان سوژه‌های پویا حاصل می‌شود. همچون مفهوم توسعه، ادبیات کارآفرینی نیز بسیار گسترده و سرشار از تعاریف و مفاهیم گوناگون است.

همچون توسعه بسیاری (فایول، ۲۰۰۷؛ دانینگ، ۲۰۰۵؛ نیکلسون و اندرسون، ۲۰۰۵؛ برگلاند، ۲۰۰۷؛ کپ، ۲۰۰۳؛ تورنتون، ۱۹۹۹؛ هافستد، ۱۹۸۰) به کارآفرینی نیز نگاهی گفتمانی داشته و آن را نه برخاسته از ویژگی‌های روانی کارآفرینان بلکه برخاسته از یک بستر خاص با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی ویژه تلقی کرده و کارآفرینی روستایی را با چندکارکردی در کشاورزی (ویلسون، ۲۰۰۷؛ گارزون، ۲۰۰۵؛ هونت، ۲۰۱۲؛ وسالا و وسالا، ۲۰۱۰) هم‌راستا و هم‌سو می‌بینند. کارآفرینی روستایی یکی از بهترین راهبردها است که می‌تواند در جهت درآمدزایی روستایی، ایجاد اشتغال و رفع بیکاری، جلوگیری از مهاجرت، افزایش کیفیت زندگی و سطح رفاه در جامعه روستایی، ایجاد حس رقابت و کسب‌وکارهای جدید و جلوگیری از ناآرامی‌ها و آشوب‌های اجتماعی مؤثر واقع شود (دابسون، ۲۰۰۵؛ اولیجین و منزل، ۲۰۰۴؛ مورفی، ۲۰۰۵؛ دوتا، ۲۰۰۴؛ مک‌لوی، ۲۰۰۵).

¹ Arturo Escobar

² post-structuralism

³ deconstruction

⁴ meaningful

⁵ valuable

⁶ acceptable

⁷ post-development

⁸ alternatives for development

⁹ alternative development

¹⁰ monolithic

¹¹ univocal

¹² negotiable

¹³ co-opted

¹⁴ exploited

¹⁵ interplay

پیش‌فرض ما در سرتاسر این پژوهش متکی بر این مدعای نظری است که نگاه انسان‌شناختی به کارآفرینی روستایی در ایران، ضروری، ممکن و عملی است. هدف کلی پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل جنبه‌های مختلف و عناصر تشکیل‌دهنده پدیده‌های کارآفرینی کشاورزی و روستایی و نیز پدیده جهانی شدن است تا از این طریق پاره‌ای از ابهام‌های موجود در این خصوص برطرف شود.

توسعه روستایی و تغییر پارادایمی آن

توسعه روستایی را می‌توان به عنوان یک مفهوم، یک راهبرد و یا یک پدیده تعریف کرد. همچنین می‌توان آن را در ادامه تلاش‌هایی که جهت کاستن از پیامدهای مخرب پروژه‌های توسعه‌ای به خصوص در ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی صورت پذیرفته است؛ ارزیابی کرد. در این راستا، مفاهیم و پدیده‌هایی همچون «توسعه بومی»، «توسعه درون‌زا»، «توسعه پایین به بالا» و «توسعه محلی» قابل تشخیص است. در بحث از توسعه روستایی دو پارادایم مشهور در ادبیات توسعه، یعنی نوسازی^۱ و وابستگی^۲ خود را در قالب راهبردهای فن‌سالارانه، اصلاح‌طلبانه و رادیکال متجلی ساخته‌اند (ازکیا، ۱۳۸۳: ۲۹)؛ اما در دیدگاه افرادی همچون اسکوبار و گوستاو استوا^۳ (استوا و پراکاش، ۱۹۹۸) با نوعی دیگر از توسعه مواجهیم که نه بر یکدستی جوامع روستایی و ایستا بودن آن بلکه بر نوعی پویایی و تکثرگرایی نهادی تأکید داشته و با ویژگی‌هایی همچون، جنبش‌های روستایی و دهقانی، خودگردانی محلی، اقدامات و کنش‌های مردم‌زاد، مقاومت، اختلاط‌های فرهنگی، هستی‌ها در برابر ساختارها، اعتراض‌های مردمی، گذار از لیبرالیسم، دموکراسی ریشه‌ای و... تعریف می‌شود. اسکوبار که از دیدگاهی پساساختارگرا سخن می‌گوید و طرح مفاهیمی همچون «توسعه روستایی یکپارچه» یا «توسعه همه جانبه اجتماعات روستایی» را تنها اقدامی برای دخالت و یورش همه جانبه به محیط‌ها و فرهنگ‌های روستایی به منظور مدیریت و کنترل آن تلقی می‌کند (وئوقی، ۱۳۹۱). او همچنین بر ظهور جنبش‌های نوین اجتماعی با خصلتی ریزومی^۴ و با مؤلفه‌هایی همچون کنشگران اجتماعی، بسیج دهقانی، ساخت هویت، خیزش زنانه و قومی و نیز سبک زندگی دموکراتیک و مشارکتی تأکید می‌کند (اسکوبار، ۲۰۰۵). می‌توان گفت که از دیدگاهی پساساختارگرایان همچون اسکوبار با گونه‌ای تغییر پارادایمی در ادبیات توسعه روستایی مواجهیم.

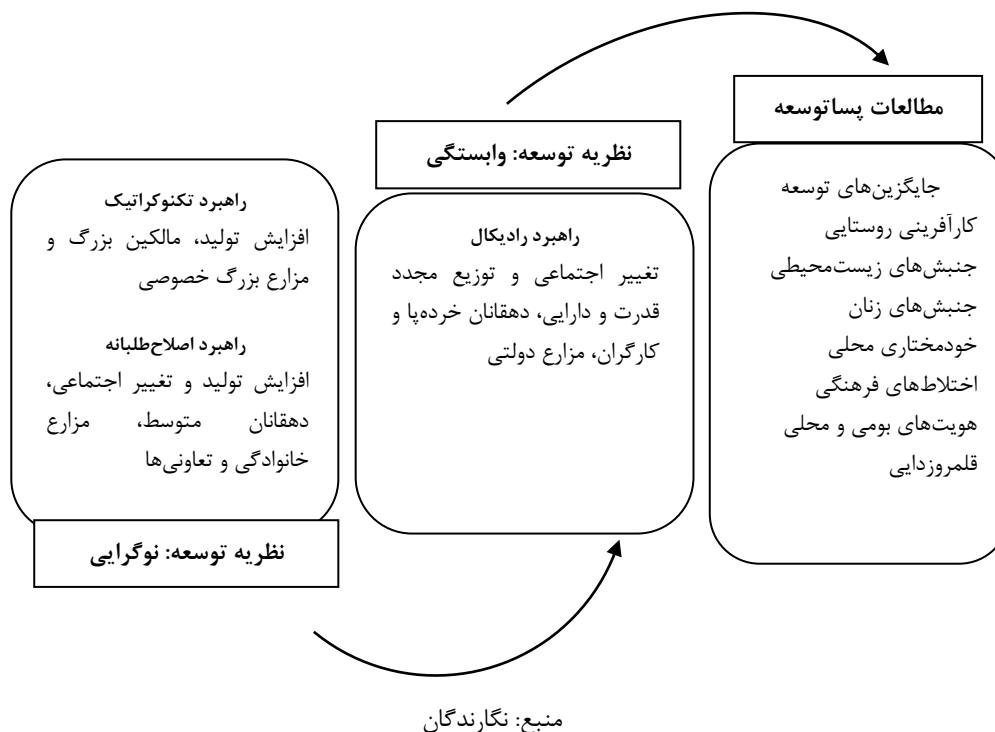
^۱ modernization

^۲ dependency

^۳ Gustavo Esteva

^۴ rhizomic

تصویر ۱: تغییر پارادایمی در توسعه روستایی



جهانی شدن

همچون توسعه، مفهوم جهانی‌شدن^۱ نیز دارای تعاریف متعدد، گوناگون و بعضاً متضاد است به صورتی که اجماع نظری بر سر این مفهوم و معنای آن و البته انکار تأثیر واقعی آن بر زندگی معاصر را ناممکن ساخته است (اشمیت، ۱۳۸۴؛ شهرام‌نیا، ۱۳۸۵). برخی (تارو، ۱۳۸۶) فرایند جهانی‌شدن را به برج بابل تشبیه کرده‌اند که بسته به اینکه در آن ساکنیم یا خیر و از چه زاویه‌ای به آن نگاه می‌کنیم تعبیر گوناگونی برای ما خواهد داشت. «جهانی‌شدن»، «جهان‌گستری»، «جهانی‌سازی» و «سیاره‌ای‌شدن» از جمله معادل‌های فارسی است که برای نام‌گذاری این پدیده به کار رفته است (شهرام‌نیا، ۱۳۸۵). یکی از وجوه افتراق مهم میان نظریه‌پردازان جهانی‌شدن نگاه سه‌لایه‌ای به آن است. نخست، جهانی‌شدن همچون یک «فرایند» یا روندی که خودجوش و مطابق با شرایط زمان و در اثر گسترش ارتباطات و اطلاعات ایجاد می‌شود. دوم، جهانی‌سازی همچون یک «پروژه» و به معنای غربی‌شدن و برتری فرهنگ لیبرال غرب و اصالت و انباشت سرمایه است. از این منظر، طرح مهندسی اجتماعی در سطح کلان، نظامی است که ایدئولوژی غربی را تحمیل می‌کند و مرحله تازه‌ای از امپریالیسم با هدف گسترش و جهانی‌کردن اصالت سرمایه را به بار می‌آورد

^۱ globalization

(اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۹۴-۱۹۳)؛ و در نهایت جهانی شدن همچون یک «پدیده» که تلفیقی از دو برداشت قبلی است. البته بخش عمده‌ای از آثار منتشره درباره جهانی شدن به خصوص در میان نویسندگان نسل سوم، به آثاری اختصاص دارد که در انتقاد از آن یا برخی از ابعاد آن نوشته شده است (شهرام نیا، ۱۳۸۵: ۷۸-۷۷).

مروری بر ادبیات پژوهش

آرتورو اسکوبار در مقاله‌ای با عنوان قدرت و هویدایی (اسکوبار، ۱۹۸۸) ضمن تشریح طرح ملی غذا و تغذیه در کلمبیا^۱ نشان می‌دهد که چگونه طرح خصلتی جامع و فراگیر داشته، طی آن یک رشته دانشگاهی جدید تأسیس می‌شود و سرمنشأ پیکره‌ای فراگستر از دانش، برنامه‌های بی‌پایان و نهادهای نوین در جهان سوم می‌شود. طرح مذکور مشتمل بر یک راهبرد با نام توسعه یکپارچه روستایی^۲ بود که بر کشاورزان خرده‌پا و گونه‌ای از بهداشت کاربردی، تغذیه و برنامه‌های غذایی تکیه داشته است. در قالب این طرح، جهان دهقانان به صورتی هولناک توسط نهادهای حرفه‌ای و رویه‌هایشان سازمان می‌یابند. این پژوهش نمونه‌ای است از چگونگی تأثیرگذاری گفتمان و ساختارهای برآمده از آن در روابط محسوس میان مردم و کنشگران عرصه توسعه. رویه و خط سیر تحلیلی و موشکافی پساساختارگرایانه اسکوبار در باب توسعه توسط جان ا. اُگبر^۳ (۲۰۰۰) دنبال شده است. او در پژوهش خویش با استفاده از ابزارهای مفهومی پسامدرنیستی همچون همبسته قدرت/دانش/گفتمان در آثار میشل کوکو، شالوده‌شکنی دریدا^۴ و اندیشه انتقادی هابرماس^۵، به این نتیجه رسیده است که مفهوم کارآفرینی، تبعیض‌آمیز، جنسیت‌محور، دارای تعینی قوم‌مدار و به لحاظ ایدئولوژیکی کنترل شده است. چنین مفهوم و گفتمانی از کارآفرینی، بستر فرضیه‌ها و دانشی خام درباره واقعیت کارآفرینی و کارآفرینان است. اُگبر بر ناسازه‌هایی دوتایی^۶ همچون مرد در برابر زن، مردانه در برابر زنانه، در اقلیت بودن در برابر غیر اقلیت بودن و ویژگی‌های روانی و فردی در برابر عوامل اجتماعی تأکید می‌کند تا از به حاشیه راندن و سرکوب یکی از قطب‌های دوگانه توسط قطب دیگر در متون/گفتمان‌های کارآفرینانه و روابط قدرتی که متعاقب آن شکل می‌گیرد؛ پرده بردارد. فردریچ بیل^۷ و همکارانش (۲۰۱۰) در پژوهش خودشان ضمن اتخاذ دیدگاهی کاملاً تفسیری و اشاره به شالوده‌شکنی دریدا و معنای معنا از دیدگاه لوی استروس^۸، تأکید می‌کنند که تفکر به شیوه‌ای خاص سبب‌ساز عمل به شیوه‌ای خاص است. چهارچوب گفتمانی^۹ مورد استفاده در متن یا گفتمان، به معنایی

^۱ NFNP

^۲ integrated rural development

^۳ John O. Ogbor

^۴ Derrida's deconstructionism

^۵ Habermas's critical theory

^۶ binary opposites

^۷ Frederic Bill

^۸ Claude Lévi-Strauss

^۹ discursive framework

منتسب شده و به واژه‌ها شکل می‌بخشند؛ اگر از گفتمانی هنری یا اقتصادی بهره ببریم؛ هنرمندانه یا اقتصادی فکر و عمل خواهیم کرد. نویسندگان اشاره می‌کنند که تحلیل محتوا و شالوده شکنی متون کارآفرینانه ما را به این نتیجه می‌رساند که به طور مثال اصطلاح «تخریب خلاق» شومپیتر در حقیقت به این معناست که کارآفرینی لزوماً هم پدیده‌ای مثبت نیست و باید مورد پرسشگری قرار بگیرد. کارآفرینی از بسیاری جهات تنها جهان را تغییر می‌دهند و نه بهبود. لویس نیکولسون^۱ و آلیستیر آندرسون^۲ (۲۰۰۵) در پژوهشی کیفی به کشف معانی و لایه‌های پنهان پدیده کارآفرینی اقدام کرده‌اند. در این پژوهش از چارچوب فراتحلیلی گیدنز در نظریه ساختاریابی^۳ و نیز ساختن‌گرایی اجتماعی^۴ بهره گرفته شده است. هنریک برگلاند^۵ (۲۰۰۶)، در پژوهشی اشاره می‌کند که اصالت تجربه زیسته کارآفرینی به علت سختگیری علمی و در قالب یک معرفت‌شناختی اثبات‌گرا تخریب شده است. رهیافت پژوهشگران در این پژوهش اتخاذ دیدگاه پدیدارشناختی هوسرل^۶ و مارتین هایدگر^۷ جهت تحلیل کارآفرینی است. در پژوهش‌های مطرح‌شده نوعی نوسان میان اسکوبار نیز که در قالب نوعی تحلیل پساساختارگرا شکل گرفته؛ بر خصلت سرکوبگر گفتمان تأکید شده است. در پژوهش پیش رو، ما معتقدیم که می‌توان از سازوکاری که توسعه جهت تحمیل خود بر افراد و جوامع بهره می‌برد (الگوی پارادایمی اسکوبار) جهت خنثی‌سازی آن استفاده کرد (شهرکی و دیگران، ۲۰۱۶). در این معنا، ما با فریدمن (۲۰۰۶) و انتقاد او از نقد پساساختارگرایی توسعه موافق بوده و بر فاعلیت کنشگران طی فرایند یا تجربه زیسته کارآفرینی تأکید می‌کنیم.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش کمی در خصوص کارآفرینی مورد انتقاد بسیاری از متفکرین (سوئدبرگ، ۲۰۰۰؛ رینولدز، ۱۹۹۱؛ جنینگز و پرین، ۲۰۰۵) قرار گرفته است و پارادایم‌های کیفی تفسیری متأثر از ماتریس بارل و مورگان^۸ در جامعه‌شناسی (بارل و مورگان، ۲۰۰۵) در پژوهش‌های کارآفرینی بسیار استفاده می‌شود (نیگارد و آلهوی، ۲۰۰۷). پژوهش حاضر نیز از نوع کیفی است که از فن مصاحبه عمیق جهت گردآوری داده‌ها و از فن تحلیل محتوا^۹ جهت تحلیل آن‌ها استفاده کرده است. برای گردآوری داده‌ها از ابزار مصاحبه با متخصصین یا مصاحبه خبره^{۱۰} (فلیک، ۱۳۹۱؛ حریری، ۱۳۸۵) استفاده شد. در ابتدا ۱۰ پرسش با توجه به زمینه

^۱ Louise Nicolson

^۲ Alistaire R. Anderson

^۳ structuration

^۴ social construction

^۵ Henrick Berglund

^۶ Edmund Husserl

^۷ Martin Heidegger

^۸ Burrell and Morgan

^۹ content analysis

^{۱۰} expert interview

پژوهش و علاقه‌مندی نظری انتخاب شد که در نهایت و پس از انجام ۲ مصاحبه، به صورت پنج پرسش کلی حاوی مفاهیم حساسیت‌برانگیز و در قالب برگه راهنمای مصاحبه^۱، صورت‌بندی مجدد شد. اعتبارپذیری پژوهش^۲ از طریق بررسی زوایای مختلف^۳ صورت گرفت. برای افزایش قابلیت اطمینان پژوهش^۴ به تهیه مسیرنمای حسابرسی از طریق ضبط و نگهداری فایل مربوط به ۲۰ مصاحبه، نوشتن یادداشت‌هایی از سوی مصاحبه‌گر، فهرست مصاحبه‌شوندگان و نیز برگه‌های راهنمای مصاحبه انجام شد (حریری، ۱۳۸۵: ۷۲). برای تقویت تأیید پذیری^۵ پژوهش تلاش شد تا حتی امکان از تبادل نظر با هم‌تایان طی فرایند تحلیل داده‌ها استفاده شود. روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند^۶ بود (مارشال، ۱۳۸۱؛ فلیک، ۱۳۹۱) که می‌توان آن را به انواع فرعی‌تر نمونه‌گیری افراطی یا حاد^۷ و نیز نمونه‌گیری با حداکثر تنوع یا نوسان^۸ (حریری، ۱۳۸۵: ۱۳۳-۱۳۴ و فلیک، ۱۳۹۱: ۱۴۳) تقسیم‌بندی کرد. هنریک برگلاند (۲۰۰۶) در تحقیق کیفی خویش تنها بر ۱۲ کارآفرین و جیسون کپ^۹ (۲۰۰۳) تنها بر ۶ کارآفرین متمرکز شده‌اند؛ در این پژوهش سعی شده تا با انتخاب ۲۰ اطلاع‌رسان، گستردگی و عمق نمونه مد نظر قرار گیرد. جدول شماره ۱ تفکیک حرفه‌ای پاسخ‌گویان را نشان می‌دهد. این پژوهش بخشی از یک رساله دکتری است که در سه استان همدان، لرستان و کرمانشاه انجام شده و در این مقاله تنها داده‌های استان همدان مورد تحلیل قرار گرفته است.

جدول ۱: تفکیک شغلی پاسخ‌گویان

تعداد (نفر)	مشخصات پاسخ‌گو یا مصاحبه‌شونده (حرفه)
۱۰	کارآفرینان نمونه در بخش کشاورزی استان
۵	کارشناسان و نخبگان کشاورزی استان
۵	متولیان امور ترویج و کارآفرینی کشاورزی دستگاه‌های اجرایی استان

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

این پژوهش از تحلیل محتوای تلخیصی^{۱۰} به عنوان رویکرد تحلیل و از راهبرد رمزگذاری نظری مشتمل بر سه مرحله رمزگذاری آزاد^{۱۱}، رمزگذاری محوری^{۱۲} و رمزگذاری گزینشی

^۱ interview guide

^۲ credibility

^۳ triangulation

^۴ dependability

^۵ conformability

^۶ purposeful sampling

^۷ extreme sampling

^۸ Maximum variation sampling

^۹ Jason Cope

^{۱۰} summarizing content analysis

^{۱۱} open coding

^{۱۲} axial coding

به‌عنوان راهبرد پژوهشی بهره می‌برد (حریری، ۱۳۸۵؛ فلیک ۱۳۹۱). تقطیع داده‌ها فرایند، متلاشی نمودن متن مصاحبه به منظور استخراج واحدهای معنادار و اختصاص رمزها به آن واحدها است (همان).

جدول ۲: تقطیع و رمزگذاری آزاد متون پیاده‌شده مصاحبه‌ها بر مبنای پنج پرسش کلیدی پژوهش

پرسش‌های پژوهش	نقل قول‌ها با بخش‌های کلیدی برگزیده از متون مصاحبه (نمونه‌برداری تفسیری درون اطلاعات)	
<p>پرسش اول: تعریف جهانی شدن، ابعاد و ارزیابی آن از دیدگاه شما چیست؟</p>	<p>جهانی شدن فرصتی است که از طریق پیوستن به سازمان‌هایی همچون سازمان تجارت جهانی می‌تواند در بلندمدت با افزایش رقابت و نیز ایجاد ارتباطات همراه شده و کشور را از حالت انزوا خارج کند. یکی از الزامات ناشی از جهانی شدن ایجاد زنجیره‌های عرضه صنایع تبدیلی است.</p> <p>پیوستن به سازمان تجارت جهانی یک بازی برد- برد است. در سال‌های نخست برای پیوستن کشورهای توسعه‌نیافته فرجه‌ها و معافیت‌های گمرکی و تخفیف‌های تعرفه‌ای قائل می‌شدند. جهانی شدن بسیار مثبت است. برداشت مسئولین ما از غرب و جهانی شدن با بدفهمی همراه است. جهانی شدن با ورود آموزش و تخصص به کشورهای توسعه‌نیافته همراه است. جهانی شدن یعنی تبعیت سیاست از اقتصاد.</p> <p>جهانی شدن مترادف است با رقابت هم در عرصه جهانی و هم در عرصه ملی. جهانی شدن باعث افزایش عملکرد گندم به خاطر استفاده از فناوری برتر شده است.</p> <p>رقابتی شدن جهان و اقتصاد، چند بعدی بودن، ارتقای تخصص و فناوری، زنجیره‌های تأمین و زیرساخت‌ها</p> <p>رمزها</p>	
<p>پرسش دوم: آیا می‌توانید تعریفی از کارآفرینی در محیط‌های روستایی و کشاورزی ارائه داده و مؤلفه‌ها، محرک‌ها و موانع آن را برشمارید؟</p>	<p>کارآفرینی خلاقیت و ساخت هیچ از همه‌چیز است. مؤلفه مهم اشتغال است. کارآفرینی در روستا به دلیل پایین بودن هزینه‌ها ساده‌تر است. کارآفرینی از مهاجرت روستا به شهر جلوگیری می‌کند. در کارآفرینی مسائل مالی فقط ملاک نیست؛ مثلاً در یک روستای مرزی بحث امنیت مهم است. کارآفرینی و جهانی شدن در محیط‌های روستایی هیچ منافاتی با هم ندارد.</p> <p>کارآفرینی خلق ایده‌هایی است که در عرصه بین‌المللی مطرح شوند. یکپارچه‌سازی اراضی و کشاورزی بستر خوبی برای کارآفرینی ایجاد می‌کند.</p> <p>انقلاب سفید طرحی بود که بر روی میز CIA تدوین شده و سبب نابودی روستاها و تبدیل دهقانان به خرده‌فروش و خوش‌نشین شد؛ درست همان زمان در آمریکا اراضی یکپارچه و کارتل‌ها ایجاد می‌شد؛ حال کارآفرینی باید با یکپارچه‌سازی اراضی شروع کند. برای انقلاب</p>	

	<p>در بخش کشاورزی باید بر روی زمین‌هایی بالاتر از ۵۰۰۰ هکتار سرمایه‌گذاری کنیم.</p> <p>کارآفرینی یعنی شکار لحظه‌ها و فرصت‌ها.</p> <p>کارآفرینی دارای سه بعد فردی، اجتماعی و مؤلفه مدرنیزاسیون است.</p>
<p>پرسش سوم: نقش نهادها در کارآفرینی و آموزش آن چیست؟</p>	<p>چند بعدی بودن، ذهنی و عینی بودن، بهره‌وری و یکپارچه‌سازی اراضی</p> <p>رمزها</p> <p>دغدغه من همواره این بوده که چرا بین دانشگاه و جامعه فاصله است. آموزش کارآفرینی سبب کاهش فاصله میان دانشگاه و بازار کار می‌شود.</p> <p>دانشگاه باید کارآفرین و با حرفه‌وفن آمیخته شود. نظریه باید با تجربه و عمل همراه باشد.</p> <p>نقش آداب‌ورسوم و نهادهای محلی در عصر جهانی شدن بسیار کم‌رنگ است و ما در این زمینه توانایی آن‌چنانی نداریم.</p> <p>۳٪ از سود سهام سالیانه تعاونی‌ها باید به آموزش اختصاص داده شود؛ بدون آموزش کارآفرینی رخ نخواهد داد. چندین سازمان در امر آموزش باید دخیل باشند از جمله سازمان تعاونی روستایی، جهاد کشاورزی و</p> <p>دانشگاه باید در ارتباط شدید و عمیق با بازار کار باشد؛ فی‌المثل در کانادا که بنده زندگی کرده‌ام هر طبقه شغلی از یک کد برخوردار بوده و نیاز بازار کار به آن شغل تا ۱۰ سال آینده مشخص است.</p> <p>دانش و تجربه، دانشگاه و بازار کار، همکاری میان نهادها</p> <p>رمزها</p>
<p>پرسش چهارم: اصالت کار و سرمایه در فرایند کارآفرینی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟</p>	<p>اصالت کار و سرمایه نسبی است. مثلاً اگر هزینه نیروی کار زیاد باشد؛ سرمایه ارجحیت می‌یابد. در کشورهای درحال توسعه چون نیروی کار ارزان است؛ کارآفرینی باید بر انباشت سرمایه متمرکز شود. کارآفرینی باید بیشتر بر بخش خدمات متمرکز شود.</p> <p>فروپاشی مارکسیسم به این علت بود که به سرمایه بی‌توجه بود. کار و سرمایه مکمل همدیگر هستند. کارآفرینی باید در عصر جهانی شدن بر تولید متمرکز شود.</p> <p>من معتقد به سرمایه هستم نه نیروی انسانی. البته بسته به بافت یک کشور اصالت کار و سرمایه نسبی است. در چین مردم برای دو وعده غذا هم کار می‌کنند؛ آنجا اولویت با اشتغال است... در کره جنوبی بالعکس کارتل‌ها بزرگ‌ترین تولیدکننده کشتی‌های نفت‌کش در جهان هستند و بهترین سیستم‌های تأمین اجتماعی را دارند. در غرب رده شغلی^۱ داریم و بخش مالی و پولی و خدمات ارجحیت دارند؛ اما باید به طور کلی بر اساس مزیت نسبی به بخش تولید و خدمات بیندیشیم.</p>

^۱ job category

	<p>در غرب هیچ چیزی به نام یارانه پرداختی به کشاورز نداریم. فناوری و بهره‌وری بالاست.</p> <p>سودآوری محصول در عصر جهانی شدن پاره‌ای اوقات با بستر و شرایط کشاورزی محلی سازگار نیست؛ مثلاً کاشت رازیانه در رزن که حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ هکتار بود به دلیل گرایش کشاورزان به محصولات سودآور به حدود ۱۰۰ هکتار رسید که پدیده‌ای منفی است. در عصر جهانی شدن؛ چندکشتی مهم است: هم محصولات تجاری، هم بومی و هم استراتژیک هر سه مهم هستند. اصالت در عصر جهانی شدن با سرمایه است؛ اصالت کار بیشتر به جنبه‌های عاطفی و معنوی اشعار دارد.</p>
	<p>نسبی بودن اصالت کار و سرمایه، در ایران سرمایه مهم‌تر است. نوع محصول، ارجحیت بخش تولید</p>
<p>پرسش پنجم: نقش دولت و بخش خصوصی در فرایند کارآفرینی چیست؟ آیا کارآفرینی پدیده‌ای است دولتی یا خصوصی؟</p>	<p>روند خصوصی‌سازی کند است اما این روند اجتناب‌ناپذیر است. نقش دولت صرفاً باید نظارتی باشد. دولت همچون یک رهبر ارکستر است. بعد از اینکه گروه به یک هارمونی رسید نقش رهبر کمرنگ می‌شود. در حال حاضر بخش خصوصی قدرتمندی در خصوص کارآفرینی روستایی نداریم.</p> <p>دولت کماکان نقشی مهم دارد؛ اما باید موازی کاری میان نهادهای دولتی برطرف شود. دولت پس از بارور شدن یا محقق شدن ایده‌ها وارد می‌شود. من در سال ۱۳۸۶ بهینه‌سازی سوخت را مطرح کردم یا جهت کاهش آب‌های زیرزمینی هشدار دادم که توجه نشد.</p> <p>ما سلطان فرصت‌های ازدست‌رفته هستیم چون دولت حاضر نیست از نقش حاکمیتی خویش دست بردارد. مثلاً تأخیر در اعلام قیمت تضمینی گندم یا عدم اعلام آن باعث شده که سالیانه ۷ میلیون تن گندم وارد کنیم؛ چنین دولتی باید پا پس بکشد.</p> <p>دولت باید به مدیریت کلان در کشاورزی بپردازد فی‌المثل مدیریت منابع آب در استان همدان و تغییر کشت سیب‌زمینی به محصولی که مصرف آبی کمتری داشته باشد. نقش دولت باید تنها حمایتی باشد نقش دولت باید حداقلی و تنها منحصر شود به نقشه‌ای حمایتی و ایجاد بیمه‌های اجتماعی.</p>
	<p>خصوصی‌سازی اجتناب‌ناپذیر است. دولت حداقلی، هماهنگی میان سازمان‌های دولتی</p>

رمزگذاری محوری، فرایند تمیز دادن و تشریح مقوله‌ها یا رمزهای مهم‌تر از میان رمزهای حاصل از رمزگذاری آزاد است. ملاک این اهمیت، مسئله پژوهش و بخش‌های مختلف کلیت متن است. نتیجه‌های مرحله دوم از تحلیل محتوا در جدول شماره ۳ ارائه شده است. در ستون تعریف سعی شده است تا با ارجاع به منابع درون متن و متون پایه‌ای

دیگر، تعریفی جامع و مانع از محورها ارائه شود؛ محورها به مقوله‌های فرعی^۱ ربط داده شده و از آن‌ها در مبحث نتیجه‌گیری استفاده شود (مقوله‌های فرعی با حروف برجسته و خطی در زیرشان نشان داده شده‌اند).

جدول ۳: رمزگذاری محوری رمزها یا مقوله‌ها

ردیف	محور	تعریف
۱	جهان اقتصادی مبتنی بر رقابت	از کارآفرینی به عنوان افزایش رقابت نام برده شده است. رقابت به منظور پایداری و بقا در بازار از اصول حاکم بر جوامع سرمایه‌داری و عصر جهانی شدن است. بازار آزاد بازاری است که در آن اصل رقابت کامل حاکم است و هیچ بنگاهی نتواند به تنهایی بر قیمت‌ها تأثیر بگذارد (احمدپورداریانی، ۱۳۸۹؛ اشمیت، ۱۳۸۴).
۲	جهانی شدن و کارآفرینی چندبعدی	چند بعدی بودن جهانی شدن، توسعه و کارآفرینی به طور اعم به معنای دخالت قضاوت‌ها و مؤلفه‌های ارزشی و هنجارهای فرهنگی بر آن‌ها و خارج کردن آن‌ها از حیطه صرف اقتصادی است. از این نظر «جهانی شدن» به «جهانی سازی» تعبیر و توسعه از «رشد اقتصادی» تمییز داده می‌شود. کارآفرینی واجد مؤلفه‌هایی مانند ارتباطات، هنجارهای فرهنگی، اخلاقی، محلی و اجتماعی است (داریانی، ۱۳۸۹؛ موحدی، ۱۳۹۱؛ اسکوبار، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۵؛ ازکیا، ۱۳۸۴؛ اشمیت، ۱۳۸۴؛ تارو، ۱۳۸۶؛ فاین، ۱۳۸۵؛ فیلد، ۱۳۸۵).
۳	فناوری همچون یک زیرساخت مهم	اگر منظور از توسعه رشد اقتصادی باشد یا به عبارتی در دیدگاهی اقتصادی به توسعه، این مفهوم با رشد اقتصادی برابر است. جهانی شدن به دنبال صدور تخصص و فناوری‌های نوین به کشورهای درحال توسعه است و کارآفرینی بدون این جنبه <u>سخت‌افزاری</u> که ایجادکننده نوآوری و تبدیل ایده به <u>محصول</u> می‌شود؛ امکان‌پذیر نیست. در نظام‌هایی همچون <u>نظام فناوری کشاورزی</u> و رهیافت‌های انتقال و ترویج فناوری همچون TOT و PTD فن‌افزار نقش مهمی بر عهده دارد (شریف‌زاده، ۱۳۸۸).
۴	بهره‌وری کشاورزی از طریق فناوری و کارآفرینی	بهره‌وری ^۲ نسبت میان ستاده به داده را گویند. حالت ایده‌آل بهره‌وری زمانی است که با کاهش داده، بر میزان ستاده افزوده شود. تأکید بر بهره‌وری به معنای <u>ارجحیت اقتصاد و آناتومی سازمان</u> در یک شرکت کارآفرین و یا در مزرعه به عنوان یک بنگاه تولیدی است. در <u>مدیریت علمی</u> ، بهره‌وری از اولویت زیادی

¹ subcategories

² productivity

<p>برخوردار بوده و نقش عوامل انسانی و فرهنگی کم‌رنگ می‌شود (رضاییان، ۱۳۸۹؛ بلنچارد، ۱۳۷۹؛ صمد آقایی، ۱۳۷۸).</p>		
<p>ارتباط میان نظریه و عمل مد نظر بسیاری از فیلسوفان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها <u>کارل مارکس</u> است. مارکس با هدف تغییر جهان واژه پراتیک را همچون نظریه عملی شده یا عمل برخاسته از نظریه و اندیشه به کار می‌برد. مفهوم <u>رویه</u>^۱ نیز به همین معنا به کار برده می‌شود. یک دانشگاه کارآفرین جهت ارتباط بهتر با صنعت نیاز به تجدید ساختار درون خویش است (آرون، ۱۳۸۴؛ بشیریه، ۱۳۸۹؛ شریف‌زاده، ۱۳۸۸؛ بلنکر و همکاران، ۲۰۰۶).</p>	<p>نسبت میان نظریه و عمل</p>	<p>۵</p>
<p>نظام سرمایه‌داری بر مبنای اصولی همچون، رقابت، مالکیت خصوصی و اصالت سود و سرمایه عمل می‌کند. ریکاردو^۲ دانشمند به نام اقتصاد کلاسیک منابع تولید را به سه دسته زمین، کار و سرمایه تقسیم کرده است. سن سیمون^۳ جامعه‌شناس فرانسوی صنعت را نتیجه ترکیب کار و سرمایه می‌داند و از این لحاظ بر اهمیت کارآفرینان و نه طبقه سرمایه‌دار تأکید می‌کند. در اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک، اصل «انباشت سرمایه» به منظور تحقق سود کماکان از نفوذ برخوردار است (عظیمی ۱۳۷۷ به نقل از فروغی ۱۳۷۷؛ کوزر، ۱۳۸۳؛ بشیریه، ۱۳۸۹).</p>	<p>سرمایه و اصالت آن</p>	<p>۶</p>
<p>توماس هابز فیلسوف انگلیسی، دولت را «شر لازم» می‌داند؛ بدین معنا که اگرچه وجودش ضرورت دارد اما در مجموع عنصری فسادانگیز در جامعه و اقتصاد است. «اقتصاد کینزی» در نظام‌های سرمایه‌داری بر دخالت دولت در امور اقتصادی حتی در یک سیستم بازار آزاد تأکید می‌کند؛ اما روی هم‌رفته در اقتصاد کلاسیک، دولت «حداقلی» بوده و صرفاً به فعالیت‌های نظارتی و حمایتی می‌پردازد. امپریالیسم سرمایه‌دارانه و بنیادگرایی بازار در هر حال دو طیف افراطی در این زمینه محسوب می‌شوند.</p>	<p>خصوصی‌سازی و دولت حداقلی</p>	<p>۷</p>

در مرحله سوم، در رابطه با مقوله مرکزی یا هسته‌ای پژوهش تصمیم‌گیری شده و همه مقوله‌های فرعی به طور نظام‌مند به این مقوله هسته‌ای ارتباط داده می‌شوند (حریری، ۱۳۸۵: ۲۵۳). بر اساس نتیجه‌های ارائه‌شده در جدول‌های ۱ و ۲؛ چهار مقوله اصلی در جدول شماره ۴ مطرح می‌شوند و در قسمت نتیجه‌گیری پژوهش به تشریح آن‌ها می‌پردازیم.

¹ practice

² Ricardo

³ Saint Simon

جدول ۴: رمزگذاری گزینشی و ارائه چهار مقوله اصلی منتج شده از فرایند تحقیق

ردیف	مقوله	مسیر دست‌یابی (اجزاء)
۱	کارآفرینی روستایی مبتنی بر جهانی شدن و اقتصاد (بازاری)	سیاست‌گذاری، یکپارچه‌سازی اراضی، دولت حداقلی، انباشت سرمایه، فناوری رقابت، سود، کارآفرینی کشاورزی فردی (بستر: دهکده جهانی)
۲	کارآفرینی روستایی مبتنی بر انسان (انسان‌شناختی)	امر محلی، هنجارهای فرهنگی و شرایط نیروی کار، دانشگاه و نهادهای آموزشی (آموزش کارآفرینی)، عدالت اجتماعی، کارآفرینی روستایی چند بعدی و جمعی (بستر: فضا و جهان زیسته ^۱ روستایی)
۳	کارآفرینی روستای مبتنی بر فناوری و بهره‌وری (صنعتی)	کار (انسان‌افزار)، سرمایه فیزیکی (فن‌افزار)، بهره‌وری (نگاه ابزاری به انسان)، ارتقاء صنعت (کارآفرینی صنعتی)، کشاورزی تجاری و صنعتی‌شده (بستر: محیط فناورانه)
۴	کارآفرینی روستای مبتنی بر کاربردی بودن دانش (توسعه‌ای)	ایده (دانش)، خلاقیت، نوآوری، کاربرد (تأسیس بنگاه جدید یا تقویت بنگاه‌های موجود) (بستر: مدل کلاسیک یا متعارف فرایند کارآفرینی یعنی ایده باید نتیجه محسوس داشته یا کاربردی شود).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از هفت محور تعریف‌شده در جدول شماره ۳، پنج محور به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مقوله‌های اقتصادی مرتبط است. این امر حاکی از این است که هنوز کارآفرینان شاغل در بخش کشاورزی، دیدی اقتصادی به کارآفرینی دارند و آن را مقوله‌ای اقتصادی تلقی می‌کنند که منجر به افزایش بهره‌وری و در نتیجه سودآوری می‌شود. گفتمان کارآفرینی در ایران هنوز وارد دوره چندرشته‌ای (مورفی و همکاران، ۲۰۰۶) خود نشده است. از نگاه نمونه‌های پژوهش همچون پاره‌ای از متفکرین (قلی‌نیا، ۱۳۷۸؛ شهرام‌نیا، ۱۳۸۵) پیوستن به سازمان‌هایی همچون سازمان تجارت جهانی^۲ دارای آثار مثبت اقتصادی برای کشاورزی است. جهانی شدن در عصر سرمایه‌داری و به تبع قوانین و ساختارهای حاکم بر آن از رشد چشمگیری برخوردار شده است و اثرات نامطلوبی بر جوامع روستایی گذاشته که از آن جمله می‌توان به افزایش فقر و تشدید روند مهاجرت، بی‌اهمیت شدن کالاهای اولیه و مواد خام، بی‌ثباتی معیشت افراد، تبعیت کار از سرمایه و ورشکستگی کسب‌وکارهای کوچک اشاره کرد (همان). در اثر جهانی شدن در کشورها و مناطق پیرامونی بخش غالب دهقانان بی‌زمین‌اند و شمار چشمگیری از کارگران بیکار (اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۹۴-۱۹۳). این پیامدها

^۱ lived-world

^۲ World Trade Organization

باعث شده است تا بسیاری جهانی‌سازی را همچون یک ایدئولوژی سیاسی نگاه کنند و مسائلی همچون محیط‌زیست‌گرایی و زنانه شدن نیروی کار را همچون اشکال مقاومت در برابر آن مطرح سازند (اشمیت، ۱۳۸۴: ۳۷۴). در کارآفرینی مبتنی بر بازار آزاد و سود مؤلفه‌هایی همچون عدالت اجتماعی، اشتغال و کیفیت نیروی کار از سوی کارآفرینان واجد بعدی «اخلاقی» تلقی شده و مسئله‌ای ثانوی است. در تطابق با آنچه در پژوهش‌های آگیر (۲۰۰۰) و بیل (۲۰۱۰) اشاره شد چارچوب‌های گفتمانی موجود در گفته‌های کارآفرینان روستایی در این پژوهش نیز بر طرز فکر اقتصادی و تفکیک آن از سپهرهای اجتماعی تأکید می‌کنند. گفتمان کارآفرینی روستایی از این منظر بر سازه دوتایی اقتصادی/غیراقتصادی بنا شده است و آن را بازتولید می‌کند. بدین ترتیب می‌توان گونه‌ای از کارآفرینی روستایی را تحت عنوان زیر تشخیص داد.

۱) کارآفرینی روستایی مبتنی بر جهانی شدن، لیبرالیسم و اقتصاد آزاد: این نوع از کارآفرینی بر دوگانه اقتصادی/غیراقتصادی و نیز کشاورزی/روستایی تکیه داشته و آن را ایجاد و بازتولید می‌کند و در بلند مدت می‌تواند به تکثیر طبقه جدیدی از سرمایه‌داران روستایی بیانجامد که به طور کامل سیاست‌های نئولیبرالیستی و جهانی شدن را پذیرفته‌اند. تأکید بیش از حد کارآفرینان بر عوامل اقتصاد و بازار، امکان هرگونه فاعلیت و خلاقیت لازمه کارآفرینی را از افراد سلب کرده و شرایط کار دسته‌جمعی و گروهی به خصوص در نواحی روستایی را تضعیف می‌کند (لیز، ۲۰۰۵). نئولیبرالیسم به عنوان یک ایدئولوژی برای کارآفرینی در عرصه روستایی و کشاورزی از درک توانایی‌های نهفته در روستاها همچون دانش بومی، همیاری‌های سنتی و خودجوش، عناصر زیست‌محیطی، کشاورزی چندکارکردی و نیز «روستا» همچون عرصه و نظامی پویا متشکل از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عاجز می‌ماند. دیدگاه صرف اقتصادی به مقوله کارآفرینی و جهانی شدن، مفهوم «روستایی بودن» را تک‌آوایی^۱ نموده و به اقتصاد و کشاورزی هژمونی می‌بخشد؛ چنین فرایندی به محاط‌شدگی ابعاد اجتماعی و تجربه زیسته روستاییان در اقلیم اقتصاد منجر خواهد شد؛ آنچه گرانوتر^۲ (۱۹۸۵) از آن تحت عنوان نهفتگی^۳ و پولانی (۱۹۵۷) با نام اقتصاد صوری^۴ یاد می‌کند.

نمونه‌های پژوهش ضمن اینکه برای توانایی‌های محلی چندان اعتباری قائل نمی‌شدند؛ هدفشان از ارتباط با عمل و یا ارتباط دانشگاه با صنعت، گونه‌ای تخصص‌گرایی و «کاربردی شدن» علوم توسعه‌ای است بنابراین آن هنگام که نظریه با عمل ارتباط پیدا می‌کند؛ آن‌چنان که فرگوسن^۵ (فرگوسن، ۲۰۰۵) بیان می‌دارد؛ توسعه به معنای تکامل مد نظر قرار می‌گیرد و نه انسان‌شناسی همچون علمی که کلیت یک جامعه را اعم از ارزش‌ها و

^۱ monolithic

^۲ Granovetter

^۳ embeddedness

^۴ formal economy

^۵ James Ferguson

فرهنگ حاکم بر آن مورد تحلیل مردم‌نگارانه قرار می‌دهد؛ کارآفرینی از این نظر جنبه توسعه‌ای محض پیدا کرده و به در نظر گرفتن عناصر فرهنگ بومی و محلی متکی بر بستر خاص هر روستا بی‌توجه است.

۲) کارآفرینی روستایی مبتنی بر کاربردی بودن دانش: در این گونه از کارآفرینی، کلیت دهقانان و روستانشینان با تحلیل علمی دانشگاهی و سلسله‌مراتبی به مجموعه‌ای از افراد منفعل و کم‌دانش فرو کاسته می‌شوند و رخداد کارآفرینی نیز اگر نتیجه‌های محسوس و عملی به بار نیاورد رد می‌شود.

در کارآفرینی کاربردی، اهمیت پویایی‌ها و کنش‌مندی‌ها در عرصه روستا همچون جنبش‌های اجتماعی، مسائل قومی و جنسیتی، خود تعین‌گری^۱ و دیگربودگی^۲ روستا و روستایی مورد غفلت قرار گرفته و در نتیجه کارآفرینی و توسعه روستایی نیز همچون چیزی بیرونی و شکل‌گرفته در علمی دانشگاهی و نه پرسه‌زن^۳ که می‌تواند در اثر کنشگری‌های درونی روستا شکل بگیرد؛ تعریف و بر جامعه تحمیل می‌شود. علم دولتی^۴ و علم پرسه‌زن همزیست‌اند اما اولی همواره سعی دارد تا دومی را به تصاحب درآورد. علم دولتی از طریق قلمروگزینی^۵ به پیش می‌رود؛ اما دانش کوچرو، پرسه‌زن (مردمی) شکل کاملاً متفاوتی دارد و با شکل دولتی و یا اقتصادی که فضای اجتماعی را به حاکمان و حکومت شوندگان و کار ذهنی و یدی تقسیم می‌کند؛ مخالف است. در گفتمان کارآفرینی روستایی امروز ایران، آنجا که صحبت از ارتباط دانشگاه و صنعت و کاربردی شدن علوم می‌شود؛ دانش بومی و کوچروی مبتنی بر بستر، حلقه‌ای مفقوده است.

۳) کارآفرینی روستایی فناورانه: دیدگاه تجاری داشتن نسبت به محیط روستا، بورژوازی کردن این محیط و تأکید اقتصادی محض بر کارآفرینی را مد نظر دارد و اگرچه سبب تولید محصولات با ارزش افزوده بالا و نیز ورود فناوری به روستا می‌شود اما از این نکته غفلت می‌شود که نیازمندی‌ها و شرایط خاص محلی حاکم بر کشاورزی یک منطقه با منطق اقتصادی، سود شخصی^۶ و انتخاب عقلایی^۷ برخاسته از اقتصاد نئوکلاسیک و نگاهی ابزاری به انسان، همخوانی نداشته و نباید به کارآفرینی و اصول حاکم بر آن با دید خشک علمی^۸ و نامنعطف پارادایم اقتصاد کلاسیک نگریست.

کارآفرینی روستایی انسان‌شناختی^۹ پیشنهاد اصلی این پژوهش است که در بخش آخر از مقاله به توضیح آن می‌پردازیم.

¹ self-determination

² alterity

³ nomadic

⁴ state science

⁵ territorializing

⁶ self-interest

⁷ rational choice

⁸ scientific rigour

⁹ anthropological rural entrepreneurship

۴) کارآفرینی روستایی انسان‌شناختی: نه به عنوان رقیب بلکه به عنوان وزنه متعادل‌کننده و تکمیلی در برابر کارآفرینی اقتصادی دارای ویژگی‌هایی از جمله سیالیت، خود تعیین‌گری، دیگربودگی، برخاسته از گفتمان کوچرو و مردمی است و سعی می‌کند تا با بهره‌گیری از پویایی‌ها و کنش‌های درونی و فرهنگ و محیط روستا، کارآفرینی روستایی را در زمانه پرشتاب جهانی شدن، مردمی‌تر و به زبان خود روستاییان از نو مفهوم‌پردازی و تعریف کند. کارآفرینی روستایی انسان‌شناختی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است

۱- بهره‌گیری از جهانی شدن و مقاومت در برابر آن: کارآفرینی روستایی انسان‌شناختی واجد خصلتی است که می‌تواند در برابر جهانی‌سازی به عنوان پدیده و پارادایم رقیب مقاومت کند. آرتورو اسکوبار (۱۹۸۴) در نظریه تثبیت توسعه^۱ معتقد است توسعه از سه راه پیشرفت خویش در جهان را تضمین کرده است. اول، فرایند ادغام و یکپارچه‌سازی مشکلات^۲ که بر اساس آن جهان غرب با ابداع «ناهنجاری‌ها» و سپس طبقه‌بندی و تعیین آن‌ها در طیف وسیعی از حوزه‌ها در جهان سوم مداخله‌گری و سلطه خویش را تثبیت کرده است. دوم، حرفه‌ای شدن^۳ توسعه یا فناورانه شدن که از طریق برقراری نظامی از دانش و کنترل دانش پیرامون توسعه مانند ترویج سیاست‌ها و برنامه‌ها در قالب رشته‌های علمی و دانشگاهی همچون مطالعه توسعه در دانشگاه‌ها و نیز گونه‌ای اقتصادی کردن^۴ زندگی به پیش می‌رود و در نهایت نهادی شدن^۵ توسعه که به معنای ورود فرایندهای توسعه‌ای از طریق سازمان‌های محلی، ملی و بین‌المللی است. این سازمان‌ها به شبکه‌ای از نظام‌های کنترلی^۶ سامان می‌دهند. هدف عبارت است از پایبند کردن مردم محلی به مجموعه‌ای مشخص از عقلانیت‌ها و رفتارها. کارآفرینی روستایی انسان‌شناختی می‌تواند با بهره‌گیری از سه مفهوم مستتر در نظریه تثبیت توسعه اسکوبار و بازاندیشی آن‌ها همزمان با نگاهی انتقادی به جهانی شدن، کارآفرینی و توسعه به تثبیت، مدیریت و کنترل کارآفرینی روستایی با عنوان *پادگفتمانی* رقیب در برابر جهانی شدن اقدام کند و آن را راهبردی انسانی‌تر و دموکراتیک‌تر در توسعه روستایی بسازد. این پادگفتمان می‌تواند شامل این مؤلفه‌ها باشد.

- حرفه‌ای شدن: پایه‌ریزی رشته‌های مرتبط با کارآفرینی در دانشگاه و خارج کردن کارآفرینی از حوزه صرف اقتصادی، آموزش کارآفرینی، تثبیت گفتمان دانشگاهی مردم‌محور.
- یکپارچه و جامع بودن: نگاه چند بعدی و جامع به کارآفرینی روستایی، طبقه‌بندی موضوعی کارآفرینی روستایی، دیدگاهی سلبی و ایجابی (موانع و پیش‌برنده‌های کارآفرینی)

¹ three-component model of development deployment

² the progressive incorporation of problems

³ professionalism

⁴ economization

⁵ institutionalization

⁶ regulatory controls

• نهادی شدن: تأسیس و تقویت نهادها و تشکل‌های روستایی مردم‌نهاد و ترویج کارآفرینی از طریق آن‌ها، اصالت دادن به کار و نه سرمایه (مثلاً کشاورزی ارگانیک)، تنوع‌بخشی به کشاورزی، عمل‌گری و فعال نمودن نهاد روستا بیش از نهاد بازار. کارآفرینی روستایی به لحاظ ماهوی دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند برای تثبیت از الگوی اسکوبار تبعیت کند و درعین حال فاعلیت و کنش‌ورزی افراد را نیز مخدوش نکند. شهرکی و دیگران (۲۰۱۶) چگونگی استفاده از نظریه سه مرحله‌ای اسکوبار برای تبدیل گفتمان کارآفرینی روستایی به گفتمان کشاورزی چندکارکردی که واجد وجوه انسان‌شناختی است را به طور کامل تشریح کرده‌اند.

۱) گذارهای پارادایمی: این گذارها در دو جنبه تحقق می‌یابند. اول گذار پارادایمی در مفهوم روستانشینی که عبارت است از تغییر مفهوم روستائیت^۱ به عنوان یک مقوله تحلیلی^۲ از مفهومی کارکردی واجد مؤلفه‌هایی همچون مکان (زمین)/ محیط/جامعه^۳ به مفهومی پسامدرن از روستانشینی. روستانشینی پسامدرن روستایی بودن را تنها به عنوان اشتغال به کار بر روی زمین (کشاورزی)، دارای ریخت‌شناسی خاص (متفاوت با شهر) و دارای ارزش‌های محیط زیست‌گرایانه (کیفیات رفتاری وابسته به محیط) نمی‌داند. همچنین مفهومی اقتصادی - سیاسی از روستا که رخدادهای روستایی را متأثر از پویایی‌های اقتصاد سیاسی ملی و بین‌المللی خارج از روستا می‌داند و بدین ترتیب «بسته کارآفرینی» را از بیرون و توسط بیرونی‌ها بر آن تحمیل می‌کند را به چالش می‌کشد. حال روستانشینی همچون یک سازه اجتماعی^۴ مرتبط با فضا و زندگی روستایی تلقی می‌شود (کلوک، ۲۰۰۶). دوم گذار پارادایمی در مفهوم کارآفرینی به معنای تفسیر کارآفرینی همچون فرایندی داری زمینه. کارآفرینی در ارتباط با این معنای نوین و از منظر انسان‌شناسی از اساس با کارآفرینی‌های جریان اصلی^۵ متفاوت است و همچون گفتمانی توسعه‌ای تعریف می‌شود که مستلزم شراکت و زیستن در مرزهای میان شهر و روستا، پایداری و نیز مشروعیت مردمی در معنای پرهیز از هژمونیک بودن و تحمیلی بودن است. این گذارهای هنجاری و پارادایمی قابلیت تطبیق و تبیین در مؤلفه حرفه‌ای شدن نظریه تثبیت توسعه اسکوبار را دارند و در میانه‌های کلان‌روایت‌های توسعه و مطالعه پساتوسعه (ضیایی، ۲۰۱۵) مفهوم‌پردازی می‌شوند.

۲) دربرگیری فاعلیت: در مفهوم نهادی شدن در نظریه اسکوبار معنا شده و عبارت است از قائل شدن به قدرت تعبیر و تفسیر امور از سوی افراد یا کنشگران و نیز توانایی و قدرت سازمان‌دهی از سوی آن‌ها. همبسته شدن کارآفرینی روستایی با جنبش‌های مردمی خودجوش، ریزوموار^۶ و هویت‌های سیال و نیز جماعت‌های فاقد ساختارهای مشخص از

¹ rurality

² analytical category

³ place/landscape/society

⁴ social construction

⁵ mainstream entrepreneurships

⁶ rhizomatic

یک‌سو و خلق، ایجاد و ارزش‌یابی فرصت‌های کارآفرینانه توسط مردم روستایی از سوی دیگر از اجزای اصلی فاعلیت در کارآفرینی انسان‌شناختی است. فاعلیت از این منظر در هم‌بستگی عمیقی است با آنچه کرازنر^۱ (۲۰۰۰) از آن تحت عنوان مترصد بودن^۲ کارآفرین یاد می‌کند. (۳) ادغام با کشاورزی چندکارکردی: این ویژگی در مفهوم یکپارچگی نظریه اسکوبار قابل تبیین است. اگر اسکوبار از دست‌اندازی توسعه در بسیاری از عرصه‌های زندگی شکوه دارد؛ گسترش روستانشینی به مواردی غیر از کشاورزی، چندپیشه‌گی در روستا و نیز کشاورزان و روستا را حافظ میراث فرهنگی و مکان‌هایی برای مصرف تعریف کردن، می‌تواند سبب‌ساز گسترش و توسعه کارآفرینی روستایی شود بی‌آنکه روستانشینان را به انفعال بکشاند. کشاورزی چندکارکردی مفهوم منفی تمامیت‌خواهی توسعه در نظرگاه پس‌اساختارگرایانی همچون اسکوبار را به کارکردی مثبت از زندگی چندپیشه در روستاها پیوند زده و آن را بازاندیشی می‌کند.

(۴) تدقیق کنشگری دولت: بسیاری از کارآفرینان در این مطالعه دیدگاهی آمیخته نسبت به دولت داشتند از سویی خواهان کاهش نقش حاکمیتی آن و از سویی به دنبال استفاده از تسهیلات دولتی و اقدام دولت در خصوص توسعه روستایی همانند یکپارچه‌سازی اراضی و آموزش کارآفرینی هستند. در این خصوص لازم است تا دولت محدوده عملگری خویش را از وضع قوانین و مقررات به سمت تقویت نهادهای آموزشی همچون دانشگاه و تبدیل آن‌ها به نهادهای کارآفرین و نیز تدوین طرح‌های ملی جهت رفع نواقص ساختاری همچون قطعه‌قطعه بودن اراضی، تغییر دهد. در هر حال «کارآفرینی روستایی انسان‌شناختی» مفهومی است که در آینده نیاز به مفهوم‌پردازی هرچه بیشتر دارد.

^۱ Israel Kirzner

^۲ alertness

منابع

- آرون، ریمون، (۱۳۸۴). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- احمدپور داریانی، محمود و مقیمی، محمود (۱۳۸۹). *مبانی کارآفرینی*، تهران: نشر فراندیش.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*، تهران: نشر نی.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: کیهان.
- اشمیت، یوهانس دراگسباتک و هرش، ژاگ (۱۳۸۴). *جهانی‌سازی و تحولات اجتماعی*، ترجمه عباس قلی غفاری فرد، تهران: انتشارات نگاه.
- اطلاعات سیاسی-اقتصادی* (۱۳۸۲). سال هجدهم، شماره اول و دوم، مسلسل ۱۹۴-۱۹۳.
- برمن، مارشال (۱۳۸۰). *تجربه مدرنیته*، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: طرح نو.
- بشیری، حسین (۱۳۸۹). *اندیشه‌های مارکسیستی*، تهران: نشر نی.
- بلانچارد، کنث و هرسی، پال (۱۳۷۹). *مدیریت رفتار سازمانی*، تهران: امیرکبیر.
- بیت، ریچارد (۱۳۸۴). *نظریه‌های توسعه*، ترجمه مصطفی ازکیا و همکاران، تهران: نشر لویه.
- تارو، لستر (۱۳۸۶). *برندگان و بازندگان جهانی شدن*، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: نشر علمی فرهنگی.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۸۴). *ایران در جستجوی مدرنیته*، تهران: نشر مرکز.
- دلاوری، ابوالفضل (۱۳۸۸). «*وجود تاریخی توسعه*»، کتاب ماه، شماره ۱۳۸، ۱۹-۱۴.
- رضائیان، علی (۱۳۸۹). *اصول مدیریت*، تهران: سمت.
- زرگری نژاد، غلام‌حسین (۱۳۸۸). «*تبارنامه تاریخی توسعه*»، کتاب ماه، شماره ۱۳۸، ۱۳-۸.
- صمد آقایی، جلیل (۱۳۷۸). *سازمان‌های کارآفرین*، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۸). *روش تحقیق کیفی*، تهران: پویش.
- سرمد، زهره و بازرگان، عباس (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: آگه.
- سلیمی، حسین (۱۳۹۰). «*آغاز و انجام نظریه وابستگی*»، فصل‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۵۶، ص ۲۰۶-۱۶۹.
- شریف‌زاده، ابوالقاسم و همکاران (۱۳۸۸). *رویکرد سیستمی در ترویج و توسعه کشاورزی*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- شریف‌زاده، ابوالقاسم و حسینی، سید محمود (۱۳۸۶). *سناریوهای بهسازی ترویج کشاورزی (در جستجوی یک پارادایم نوین)*، تهران: نشر آموزش کشاورزی.
- شهرام نیا، سید امیر مسعود (۱۳۸۵). *جهانی شدن و دموکراسی در ایران*، تهران: نگاه معاصر.
- شیخی، محمد تقی (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: نشر حریر.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۳). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- فاین، بن (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی*، ترجمه محمد کمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۷۷). *اصول علم ثروت ملل*، تهران: نشر فرزاد.
- فلیک، اووه (۱۳۹۱). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- فیلد، جان (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی*، ترجمه جلال متقی، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- مارشال، کترین و گرچن ب. راس من (۱۳۸۱). *روش تحقیق کیفی*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- محمدی، بیوک (۱۳۹۰). *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مفتخری، حسین (۱۳۸۸). *توسعه واقعیتی تاریخی*، کتاب ماه، شماره ۱۳۸، ۷-۲.
- مقیمی، سید محمد و محمود احمدپور داریانی (۱۳۸۹). *مبانی کارآفرینی*، تهران: فراندیش.
- موحدی، رضا و یعقوبی فرانی، احمد (۱۳۹۱). *درآمدی بر کارآفرینی روستایی*، همدان: نشر دانشگاه بوعلی سینا.

- نراقی، یوسف (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی و توسعه*. تهران: نشر فرزاد.
- وثوقی، منصور و ایمانی، علی (۱۳۸۹). «آینده توسعه روستایی و چالش‌های پایداری»، *توسعه روستایی*، دوره اول، شماره ۲، ص ۴۵-۲۴.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۰). *جهانی شدن و آینده دموکراسی (منظومه پساامپریالیستی)*، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر مرکز.
- هاشمی، سید سعید و همکاران (۱۳۹۰)، «توسعه روستایی با تأکید بر اشتغال و کارآفرینی: مطالعه موردی دهستان شباب در استان ایلام»، *روستا و توسعه*، سال ۱۴، شماره ۱، ص ۵۸-۳۵.
- اسکو، آتورور (۱۹۸۴)، *گفتمان و قدرت در توسعه*، ترجمه جمال رحمتی‌پور در <http://www.anthropology.ir>
- Berglund, H. (2007). "Researching entrepreneurship as lived experience". Neegard, H., Ulhoi, J. P. (eds.), *Handbook of Qualitative Research Methods in Entrepreneurship*. Edward Elgar Publishing.
- Bell, E., & King, D. (2010). "The elephant in the room: Critical management studies conferences as a site of body pedagogics". *Management Learning*, 41(4), 429-442.
- Bill, F., & Johansson, A. W. (Eds.). (2010). *(De) mobilizing the entrepreneurial thinking and action*. Edward Elgar Publishing.
- Blenker, P., Dreisler, P., & Kjeldsen, J. (2006). Entrepreneurship Education—the new challenge facing the universities. *Department of management. Aarhus School of Business Working Paper, 2*.
- Burrell, G., & Morgan, G. (2006). Sociological paradigms and organizational analysis. *Aldershot, Gower*.
- Cloke, P. (2006). Conceptualizing rurality. *Handbook of rural studies*, 18-28.
- Cope, J. (2005). "Researching entrepreneurship through phenomenological inquiry: philosophical and methodological issues". *International Small Business Journal*, 23(2), 163-189.
- Dabson, B. (2001). "Supporting rural entrepreneurship". *Exploring Policy Options for a New Rural America*, 35-48.
- Downing, S. (2005). "The social construction of entrepreneurship: Narrative and dramatic processes in the coproduction of organizations and identities". *Entrepreneurship theory and Practice*, 29(2), 185-204.
- Dutta, S. (2004). "Rural Industrial entrepreneurship: The Case of Bardhaman district in West Bengal". Ph.D. Thesis. Wageningen University: Netherlands.
- Escobar, A. (1984). "Discourse and power in development: Michel Foucault and the relevance of his work to the Third World". *Alternatives*, 10(3), 377-400.
- Escobar, A. (1988). Power and visibility: Development and the invention and management of the Third World. *Cultural Anthropology*, 3(4), 428-443.
- Escobar, A. (1997). "Anthropology and development". *International Social Science Journal*. Vol. 49, No. 4, p 497(19).
- Escobar, Arturo (2005). "Imagining a post-development era". In Edelman, M and Haugerud, A. (eds.). *The Anthropology of development and globalization*. Blackwell Publishing.
- Esteva, G., & Prakash, M. S. (1998). *Grassroots post-modernism: Remaking the soil of cultures*. Palgrave Macmillan.
- Fayolle, A. (2007). *Entrepreneurship and new value creation: the dynamic of the entrepreneurial process*. Cambridge university press.
- Ferguson, J. (2005) "Anthropology and its evil twin: "Development" in the constitution of a discipline". Edelman, M and Haugerud, A. (eds.), *The Anthropology of Development and Globalization*. USA: Blackwell Publishing.
- Friedman, J. T. (2006). "Beyond the post-structural impasse in the anthropology of development". *Dialectical Anthropology*, 30(3-4), 201-225.
- Bill, F., Bjerke, B., & Johansson, A. W. (2010). 1. Demobilizing or mobilizing the entrepreneurship discourse: something else or none of it?. *(De) Mobilizing the Entrepreneurship Discourse*, 1.

- Garzon, I. (2005). *Multifunctionality of agriculture in the European Union: Is there substance behind the discourse's smoke?*. Institute of Governmental Studies -Agriculture and Resource Economics.
- Granovetter, M., (1985). "Economic action and social structure: the problem of embeddedness". *American Journal of Sociology* 91, 481-510.
- Hofstede, G. (2001). *Culture's consequences: comparing values, behaviours, institutions and organizations across nations*. 2nd Edition, Sage.
- Huttunen, S. (2012). "Wood energy production, sustainable farming livelihood and multifunctionality in Finland". *Journal of Rural Studies*, 28(4), 549-558.
- Jennings, P. L., Perren, L., & Carter, S. (2005). "Guest editors' introduction: Alternative perspectives on entrepreneurship research". *Entrepreneurship Theory and Practice*, 29(2), 145-152.
- Kesby, M. (2003). Tyrannies of transformation: A post-structural and spatialised understanding of empowerment through participation. In *conference on Participation: From Tyranny to Transformation*.
- Kirzner, I. M. (2000). *The driving force of the market: Essays in Austrian economics*. Routledge.
- Edelman, M. (2005). Introduction: The Anthropology of Development and Globalization. IN EDELMAN, M. & HAUGERUD, A.(Eds.) *The Anthropology of Development and Globalization: from Classical Political Economy to Contemporary Neoliberalism*. Australia.
- McElwee, G. (2005). *Developing entrepreneurial skills of farmers*. ESOF series (SSPE-CT-2005-006500). University of Lincoln.
- Murphy, P. L., Liao, J. and Welsch, H. (2005). "A Conceptual history of entrepreneurship thoughts". *Academy of Management Best Conference Paper*. MH: A1.
- Neergaard, H., & Ulhøi, J. P. (Eds.). (2007). *Handbook of qualitative research methods in entrepreneurship*. Edward Elgar Publishing.
- Nicholson, L., & Anderson, A. R. (2005). "News and nuances of the entrepreneurial myth and metaphor: Linguistic games in entrepreneurial sense-making and sense-giving". *Entrepreneurship Theory and Practice*, 29(2), 153-172.
- Ogbor, J. O. (2000). "Mythicizing and reification in entrepreneurial discourse: Ideology-critique of entrepreneurial studies". *Journal of management studies*, 37(5), 605-635.
- Polanyi, K., Arensberg, C. M., & Pearson, H. W. (Eds.). (1957). *Trade and market in the early empires: Economies in history and theory* (Vol. 89). Glencoe, IL: Free Press.
- Reynolds, P. D. (1991). "Sociology and entrepreneurship: Concepts and contributions". *Entrepreneurship theory and practice*, 16(2), 47-70.
- Schmidt, J. D., Hersh, J. (2002). *Globalization and social change*. London and New York: Routledge.
- Swedberg, R. (2000). *The social science view of entrepreneurship: Introduction and practical applications*. Oxford Press.
- Thornton, P. H. (1999). The sociology of entrepreneurship. *Annual review of sociology*, 25(1), 19-46.
- Vesala, H. T., & Vesala, K. M. (2010). Entrepreneurs and producers: Identities of Finnish farmers in 2001 and 2006. *Journal of Rural Studies*, 26(1), 21-30.
- Wilson, G.A. (2007). *Multifunctional agriculture: A transition theory perspective*. CABI.
- Ziai, A. (2015). "Post-Development: Premature Burials and Haunting Ghosts". *Development and Change*. 46(4), 833-854.